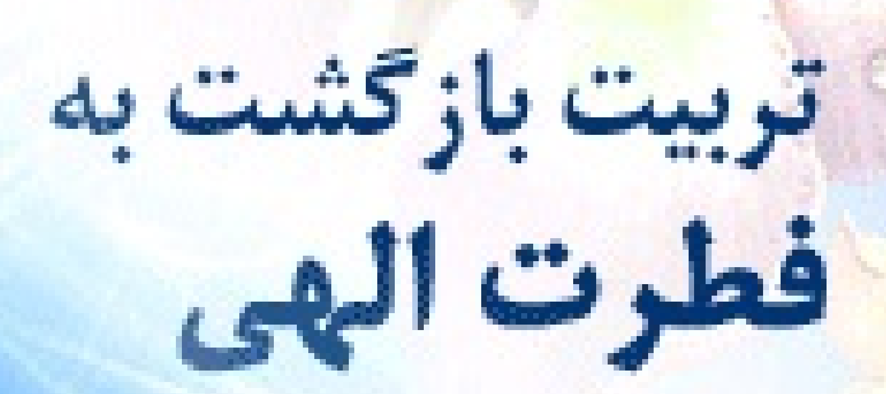


اکبر سجاد


بسم الله الرحمن الرحیم

تربیت بازگشت به فطرت الهی

نویسنده:

اکبر سجاد

ناشر چاپی:

عطر عترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تربیت بازگشت به فطرت الهی

مشخصات کتاب

سرشناسه: سجاد، اکبر عنوان و نام پدیدآور: تربیت بازگشت به فطرت الهی / تالیف اکبر سجاد؛ به اهتمام امور فرهنگی مجتمع فاطمیه اصفهان. مشخصات نشر: قم: عطر عترت ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۱. ج (بدون شماره‌گذاری). شابک: ۹۷۸ – ۶۰۰ – ۵۵۸۸ – ۸۲ – ۸ وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه. موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام) موضوع: والدین و کودک موضوع: اسلام و آموزش و پرورش شناسه افزوده: مجتمع فاطمیه اصفهان. امور فرهنگی رده بندی کنگره: ۴ / BP۲۵۳ / س۳ت۴ ۱۳۸۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۶۴۴ شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۳۲۶۲۹

مقدّمه

بسم الله الرّحمن الرّحیم از آنجا که خانواده مهمترین رکن و نهاد تربیتی بوده و شاکله وجودی افراد، ابتدا در آن نهاد مقدّس نقش می‌پذیرد و سپس سایر ارکان، ایفاء نقش می‌نمایند آموزش افراد خانواده به ویژه پدر و مادر در جهت ایجاد خانواده‌ای بالنده و متعادل ضروریست تا به یاری خداوند بتوان در آن محیط فرزندانی متعادل، شایسته، خودباور، متدیّن و متّکی به نفس تربیت نمود لذا خلاصه‌ای از آنچه پدر و مادرها باید در این رابطه بدانند را تحت عناوین جداگانه ارائه نموده، در این رابطه از تجربیّات به دست آمده در کلاس‌های آموزش خانواده استفاده کرده نمونه‌هایی از مسائل و مشکلات عنوان شده جهت تنویر افکار خوانندگان گرامی ذکر می‌گردد. در این نوشتار به مبحث تربیت و عوامل مؤثّر در آسیب شناسی خانواده پرداخته، معتقدم مطالب عنوان شده، از سوی ارباب تعلیم و تربیت و نویسندگان بزرگوار به صورت مفصّل و علمی به رشته‌ی تحریر درآمده لیکن شاید تهیه و مطالعه آن آثار گرانبها بنا به دلایلی در توان اولیاء گرامی نباشد و این امر باعث عدم آگاهی آنان هر چند به صورت مختصر گردد. امید است این عمل قلیل مقبول درگاه ربّ العالمین قرار گیرد و به ما توفیق عمل به گفتارمان را عنایت فرماید.

فصل اوّل: تربیت

اشاره

بسمه تعالی شأنه خداوند متعال در قرآن کریم چنین فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها لا تَبْدیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُون» (۱). پس روی خود را متوجّه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتیست که خداوند انسان‌ها را به آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آئین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند. انسان فطرتاً تربیت شده و مودّب به آداب حسنه بوده و این عهد را با خداوند در عالَم الست بسته‌ست لیکن با مواجه شدن با جهان هستی و برخورد با مسائل مادّی از فطرت دور افتاده و عهد و میثاق، با خدای خویش را نیز فراموش کرده است. ارسال رسل و انزال کتب، تذکّر، موعظه و سفارش مؤکّد به فراگیری علم و دانش همه در جهت بیداری هویت و فطرت انسان و بازگشت او به خویشتن است. «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یا بَنی آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّیْطانَ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ * وَ أَنِ اعْبُدُونی هذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ» (۲). آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمن آشکاری است؟! و اینکه مرا بپرستید که راه مستقیم این است! و در جای دیگری می‌فرماید: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَهِٔ إِنَّا کُنَّا عَنْ هذا غافِلین» (۳). و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذرّیه‌ی

آنها را بر گرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت. (و فرمود) آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا گواهی می‌دهیم (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این غافل بودیم (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)». و باز خطاب به پیامبر عظیم الشّأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَكِّر» (۴). پس تذکّر بده که فقط تذکّر دهنده‌ای. همه‌ی این آیات بیانگر این است که انسان قبلاً ـ با خداوند عهد و میثاقی داشته و فراموش کرده‌ست و پیامبران برای یادآوری آن آمده‌اند. بنا بر مطالب مذکور و به جهت بازگرداندن انسان به فطرت خویش و جلوگیری از انحراف در طول زندگی تعلیم و تربیت امری همیشگی و تعطیل ناپذیر می گردد.

آغاز تربیت

مدّت زمان طفولیّت انسان نسبت به سایر موجودات به جهت پدید آمدن فرصتی مناسب برای پیاده کردن اهداف تربیتی بسیار طولانی است. در این مدّت باید شاکله‌ی وجودی طفل پی ریزی شود امّا باید دانست که تربیت منحصر به این دوران نمی‌شود بلکه قبل و بعد از دوران مذکور نیز کارهای تربیت صورت می‌پذیرد و بدین جهت می‌توانیم ادوار تربیتی را به سه دوره تقسیم نماییم: ۱ – قبل از تولّد ۲ – از تولّد تا پایان طفولیّت (بلوغ) ۳ – از بلوغ تا پایان زندگی در این جهان

قبل از تولّد چه باید کرد؟

بیشتر هنجارها و ناهنجاری‌های جسمی و رفتاری به وسیله‌ی وراثت و مناسب یا نامناسب بودن محیط قبل از تولّد ایجاد می‌شود. صفات و اخلاق نیک و پسندیده پدر و مادر مانند: جود، نوع دوستی، صداقت، شجاعت، عفّت ...، و همچنین صفات و اخلاق زشت و ناپسند آنها چون: بخل، کینه، جُبْن، حسد، عُجب، خودپسندی، خشم، دروغگویی و ... به جنین منتقل می‌شود محیطی هم که جنین در آن قرار گرفته و شرایطی که پدید آورنده آن محیط است به طور مستقیم روی جنین اثر می گذارد. افکار، اندیشه‌ها، خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها، آرامش‌ها و تنش‌ها، بیماری‌های مزمن، مصرف داروها و مواد افیونی ... از عوامل مؤثّر بر آن محیط می‌باشند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده‌ست که «به زنان حامله کُنْدر بخورانید که کندر در شکم مادر غذای طفل است و دلش محکم و عقلش زیاد می‌شود» (۵). حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زن حامله بِه بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگ او صاف‌تر باشد» (۶). و در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «تَخَيَّرُوا لِنُطَفِكُمْ فَإِنَّ النِّساءَ يَلِدْنَ أَشْباهَ إِخْوانِهِنَّ وَ أَخَواتِهِنَّ» (۷). برای (انعقاد) نطفه‌های خود همسران مناسب انتخاب کنید زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود، فرزند می‌آورند. و در همین رابطه از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت فرموده: «إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِيجَ الْحَمْقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلاءٌ وَ وُلْدَهَا ضِيَاعٌ» (۸) یعنی بترسید از گرفتن زن احمق زیرا که مصاحبت با او بلا و فرزندش نالایق است (برای اینکه در اجتماع افراد عقب مانده به وجود نیایند). بنابراین نقش مادر در مجموع، بسیار حائز اهمیّت است. دکتر الکسیس کارل در کتاب انسان موجود ناشناخته چنین می‌نویسد. ...: « پدر و مادر در ساختمان هسته‌ی سلول اولیّه که تمام سلول‌های موجود تازه از تقسیمات بعدی آن پدیدار می‌شود به یک اندازه سهیمند ولی مادر علاوه بر نیمه‌ی مواد هسته‌ی سلول تمام پروتوپلاسمایی که دورادور این هسته را می گیرد سهم بیشتر می‌برد و به این ترتیب وظیفه‌ی او در ایجاد جنین از پدر مهم‌تر است ... وظیفه‌ی مرد در تولید مثل، کوتاه‌ست ولی از زن تقریباً ۹ ماه به طول می‌انجامد. در این مدّت جنین به وسیله‌ی موادی که با خون مادر پس از تصفیه در جفت به او می‌رسد تغذیه و رشد می کند و با آن بافت‌های جدیدی می‌سازد». بنابراین اگر مادر بتواند رسالت خود را خوب انجام دهد و رعایت مسائل لازم را در زمان بارداری حتّی قبل از آن بنماید مشمول فرمایش نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌شود که «آن زن چون صائمه‌ی قائمه‌ی مجاهد است» (۹) یعنی آن

زن در زمان بارداری و شیردهی فرزند، چون کسیست که روزها روزه و شب‌ها به عبادت خدا مشغول و در حال مبارزه و جهاد در راه خداوند است. پدر نیز در این دوران نقش بسیار حسّاس و اساسی دارد. او باید محیطی آرام و خالی از تنش و تشنّج برای همسر فراهم آورد و به وی روزی حلال بخوراند تا برای رشد جنین از هر جهت شرایطی مطلوب پدید آید.

از تولّد تا پایان طفولیّت (آغاز بلوغ)

«کُلُّ مَوْلُودٍ یُولَدُ عَلَی الْفِطْرَةِ حَتَّی یَکُونَ أَبَوَاهُ یُهَوِّدَانِهِ وَ یُنَصِّرَانِهِ وَ یُمَجِّسانَهُ» (۱۰)؛ یعنی هر فرزندی بر اساس فطرت سلیم اسلامی زاده می‌شود و این پدر و مادرند که او را به جهاتی دیگر سوق می‌دهند. از نظر اسلام کودک بر اساس فطرت اسلامی و خداجوی نهادش پی ریزی شده و این پدر و مادرند که زمینه انحراف وی را فراهم می‌سازند البته غالباً بدون قصد سوء و با ندانم کاری مرتکب چنین اعمالی می‌شوند. پدر و مادر نخستین بذرهای تربیت را در جان طفل می‌کارند و رفتار و حرکات و طرز تفکّر او را می‌سازند. از هنگامی که طفل پا به عرصه زندگی می‌گذارد پدر و مادر باید حقّ فرزند را در نظر گرفته، آداب لازم را برایش بجا آورده نباید محتکر حقوق باشند و حق را فقط از آن خود بدانند بلکه فرزند حقوقی بر گردن پدر و مادر دارد که باید به نحو مطلوب از سوی آنها ادا گردد. همین که طفل به دنیا آمد پس از تطهیر او، کامش را با تربت امام حسین علیه السلام بردارند. این عمل علاوه بر اثرات وضعی که به دنبال خواهد داشت به طفل ما می‌آموزد که زیستن هدفدار است و برای نیل به این هدف بهترین الگوی رفتاری حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام می‌باشد او که با بذل جان خویش مردم را از حیرت و گمراهی نجات داد. این عمل در آینده به طفل ما بینش و نگرش می‌دهد و او را به تفکّر و تعقّل و اندیشه وامی دارد. از دیگر حقوق فرزند بر گردن پدر و مادر انتخاب اسمی خوب و مناسب است که همین نامگذاری نیز در آتیه فرزند اثر می‌گذارد. در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوییم و با کلمه طیّبه‌ی توحید و اعتراف و اقرار به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامت و ولایت ائمّه‌ی معصومین روح او را بیارائیم. از دیگر حقوق فرزند تغذیه‌ی او به نحو مطلوب است و این حق، در طفولیّت بر دوش مادر است.

تغذیه‌ی طفل با شیر مادر و آثار مترتّب بر آن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «هیچ شیری برای کودک بهتر از شیر مادر نیست» (۱۱). و همچنین فرموده‌اند: «هر زنی اگر کودکی را شیر دهد خداوند در مقابل هر مرتبه‌ای که کودک از پستانش شیر بمکد ثواب آزاد کردن بنده‌ای از اولاد حضرت اسماعیل علیه السلام به او عنایت می‌فرماید و هنگامی که دوران شیرخوارگی او به اتمام رسید و کودک را از شیر بازگرفت فرشته الهی دست به پهلویش نهاده و می‌گوید زندگی را دوباره آغاز کن که خداوند گناهان گذشته‌ات را آمرزید» (۱۲). علاوه بر این شیر مادر مزایای بی‌شماری دارد که از آن جمله است: تا پایان ۴ و حتّی ۶ ماهگی غذای کافی برای بچّه شیر مادر است. شیر مادر زود هضم است و در عرض ۱/۵ ساعت هضم می‌شود در صورتی که شیرهای دیگر در عرض ۳ ساعت هضم می‌شوند. شیر مادر دارای پادزهر طبیعیست و طفل را در برابر خیلی از بیماری‌ها مصون و محفوظ می‌دارد. شیر مادر کامل‌ترین و مقوی‌ترین غذا برای رشد طفل و از حقوق طفل بر گردن پدر و مادر می‌باشد و مادر باید این حق را به طور کامل ادا نماید چنانچه خداوند متعال در قرآن مجید چنین فرموده است: «وَ الْوالِداتُ یُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَیْنِ کامِلَیْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ یُتِمَّ الرَّضاعَةَ» (۱۳). مادران، فرزندان خود را دو سال شیر می‌دهند (این) برای کسیست که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. مادر اگر بخواهد حقّ فرزند خود را به طور کامل ادا کند باید به او دو سال شیر بدهد و با توجّه به آثار عجیبی که شیر مادر در پرورش روحی و جسمی طفل دارد رعایت نکاتی بر او لازم است: الف) مادر باید خود از رزق حلال، طیّب و طاهر تغذیه کند تا عصاره آن رزق که به صورت شیر وارد بدن فرزند می‌شود آثار مطلوب داشته باشد و این مهم از جمله تکالیف پدر خانواده می‌باشد. پدر در به دست

آوردن رزق بایـد تقوای لازم را داشـته باشد زیرا لقمه‌ی ناخالص و حرام آثاری بر انسان می‌گذارد که یکی از آن آثار پدید آمدن شقـاوت است. «کُلُوا مِنَ الطَّیِّباتِ وَ اعْمَلُوا صالِحاً» (۱۴). از غـذاهای پاکیزه بخوریـد و عمل صالح انجام دهید. ب) مادر باید مراقب باشد به واسطه‌ی گناه و بی‌تقوایی شیر خود را آلوده نکند اگر در حال گناه به فرزند خود شیر دهد آثار آن گناه به طور مستقیم به کودک انتقال می‌یابد و بالاخره اثر وضعی خود را خواهد گذاشت. غذای مسموم جسم را مسموم می‌کند لیکن شیر مسموم آلوده به گناه و بی‌تقوایی روح انسان را مسموم می‌نمایـد و این مسمومیّت بسا ممکن است در آینده یک جامعه‌ای را به تباهی بکشد. ای مادر! در این دوران حسّاس و سرنوشت ساز دقّت کن اگر بـدانی با وضو شیر دادن به طفل چه اثراتی دارد هرگز از این عمل غافل نمی‌شوی. در سیره‌ی بزرگـان بنگر اغلب از مـادرانی برخوردار بوده‌انـد که این گونه مسائـل را رعـایت می‌کرده‌انـد و غالبـاً جانیان تاریـخ بشـر از افرادی بوده‌انـد که از مادری با روح سالم تغـذیه نشده‌انـد یا از پدری با تقوا برخوردار نبوده‌اند. بد نیست در اینجا به داستانی تـاریخی و ملموس اشـاره شود: مرحوم آیت الله حـاج شیخ فضل الله نوری مجتهـدی عادل، مبارز و انقلابی بود که علیرغم اینکه مشروطه خواه بوده لکن وقتی مشاهده می‌کند آنچه خواسته، محقّق نشده علیه مشروطه قیام می‌نماید و در نتیجه، آن مرحوم را دستگیر و به زندان افکندند. شیخ رَحِمَهُ الله پسری داشت که در جهت اعدام پدر، تلاش بسیار کرد تا سرانجام پدرش را در ملاء عام به دار آویختند و مردم نادان به همراه همین پسر ناخلف، پای دار پدر عالم مجتهد کف زدند و شادی کردند و از همین پسر نیز فرزنـدی بـه وجـود آمـد کـه او نیز از افراد نفی کننـده‌ی دیـن شـد کـه جـای بحث آن در اینجـا نیست. نکته‌ی مهم و جـالب تـوجّه اینجاست: یکی از بزرگان گفته بود که «در زندان به ملاقات شیخ فضل الله نوری رفتم و به او گفتم با توجّه به اصل وراثت پسر شما باید خیلی والامقام و عالی مرتبه باشد. چطور این قدر پست شده که علیه شـما سـعایت می‌کند و راضـیست شما اعدام شوید». ایشان فرمود: «بله خودم هم می‌دانسـتم و همین ترس را داشـتم و از آنچه می‌ترسـیدم گرفتارش شـدم» بعد فرمود: «این بچّه در نجف متولّد شد مادرش شـیر نداشت مجبور شدیم دایه‌ای برایش بگیریم این دایه ناشـناس بود و در اثر کوتاهی ما این بچه را شـیر داد یک وقت متوجّه شدیم که این زن آلوده‌ست علاوه بر اینکه آلوده‌ست ناصبی یعنی دشـمن حضـرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اهل بیت: هم هست» (۱۵). آری این نتیجه تغذیه با شیر آلوده و ناپاک است. ج) مادر باید در هنگام شیر دادن طفل از آرامش کامل روحی و روانی برخوردار باشـد زیرا در آن لحظه حتّی افکار مادر روی طفل اثر می‌گذارد اگر آیات قرآن را زمزمه کند قطعاً غذای روحی و جسـمی مطلوبی به فرزنـدش خورانـده‌ست و چنانچه در دیـدنی‌ها و شـنیدنی‌ها، گفتار و انـدیشه بی‌تقوایی نمایـد غذای نامطلوبی به فرزندش داده و این غذا کار خودش را خواهد کرد. از دیگر مسائلی که قابل توجّه در تربیت طفل، قبل از دبستان بوده این است که باید طفل را بر اساس فرموده پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم تربیت کرد که فرمود: «اَلْوَلَدُ سَیِّدٌ سَبْعَ سِنِین» (۱۶). هفت سال اوّل او را به حـال خود واگذاشـته و حاکمیّتش را بپـذیریم و با این عمل در او منش و شخصیّت ایجاد کنیم. او در این هفت سال در خانه‌ی حاکم مطلق است. امر، امر او و خواست، خواست اوست. پدر و مادر باید مطیع و منتقاد او باشند پس از این هفت سال نوبت امر و نهی و تربیت فرا می‌رسـد. دیگر طفل متوجّه خوب و بـد شده و می‌تواند، تشـخیص دهد و باید هدایت شود. هفت سال دوّم از آسان‌ترین دوران تربیتی کودک است زیرا در این هفت سال کودک مطیع و فرمانبردار پدر و مادر خواهد بود و آنچه در هفت سال اوّل آموخته اینجا ارائه می‌دهد. دنباله‌ی حدیث شـریف نبویست که: «وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِینَ» (۱۷). این هفت سال کودک چون بنـده‌ای مطیع و فرمانبردار بوده و یکی از نکات بسـیار حسّاس و سـرنوشت ساز در این دوران الگوپذیری کودکان است. والدین باید تقویت کننـده رفتار خوب باشـند باید از افراد شایسـته تعریف و تمجید کنند زیرا آن کس که از سوی پدر و مادر مقبول و مورد سـتایش و تعریف قرار می‌گیرد الگوی رفتاری کودک خواهـد شـد. مثلیست معروف که می‌گوینـد: «اولاد حلال زاده به دایی خود شبیه است» (۱۸) نکاتی دقیق و ظریف در این مثل نهفته‌ست و آن اینکه چون اغلب مادران به برادران خود شدیداً علاقمند و وابسته‌اند مرتّب از او با عظمت یاد می‌کنند و بسیار با یاد او اشک شوق در چشمانشان حلقه می‌زند وقتی به او می‌رسند برایش آغوش گشوده و نهایت

لطف و محبّت را نسبت به وی ابراز می‌دارنـد این باعث شـده تا کودک قـدم جای پای دایی بگـذارد و چنین احساس کنـد که این شخص به خاطر رفتارش مطلوب و محبوب مادر است بنابراین تمام حرکات و سکنات او را عیناً تکرار می‌کند مثلاً دایی کودک به فلان غذا علاقمند است کودک نیز علیرغم اینکه هیچ میلی به آن غذا ندارد نسبت به آن ابراز علاقه می‌نماید و نکته‌ی دیگر این است که کودکان بیشتر از مادر الگو می‌گیرند تا از پدر و این موضوع خود بحث مفصّلی می‌طلبد که در این مختصر مجال عنوان آن نمی‌باشد. پس مادران گرامی خصوصاً باید دقّت کنند اگر واقعاً برادرشان الگوی مناسبی برای فرزندشان نمی‌باشد از تعریف و تمجید و تکریم بی‌مورد او جدّاً خودداری نمایند. مسئله‌ی دیگر که در این دوران بسیار اهمیّت دارد. آشنا نمودن کودک با مسائل مذهبیست کودک چون هفت ساله شد باید وضو گرفتن و نماز خواندن را به او تعلیم دهند بعد از هفت سال اوّل او را ملازم خود گردانند و اخلاق و آداب اجتماعی را به او تعلیم نمایند از اصول و فروع دین، آیات قرآن، احادیث و قصّه‌های قرآنی جذّاب در حدّ فهم و توان، به او بیاموزند و بدانند ذهن کودک محتاج به خوراک است و باید این خوراک را از راه مطالعه تأمین نمود تا از راه‌های دیگر تغذیه نکند. قصّه خوانی خصوصاً در سنین قبل از دبستان در یادگیری کودک بسیار مؤثّر است خصوصاً قصّه‌هایی که بتوان از آن یک نتیجه‌ی اخلاقی گرفت. پدر و مادر باید به این نکته توجّه داشته باشند که آموزش باید توأم با عمل و با چاشنی محبّت و با زبان کودکانه باشد. چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گُشاد و یکی از دلایل عمده‌ی شکست ما، در مسائل تربیتی و آموزشی نداشتن، زبان خوش و با محبّت است. درس معلّم ار بود زمزمه محبّتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را پدر و مادر وظیفه دارند علائق و توانایی‌های کودک را شناسایی کرده در راه تربیت، بروز و شکوفایی آن گام بردارند. معروف است که کمال الملک هنرمند شهیر ایرانی در درس خواندن موفّق نبود و در کلاس درس مورد سرزنش و طعن قرار می‌گرفت. روزی در یک جلسه درس نقّاشی، معلّم علاقه، توانایی و نبوغ او را در نقّاشی کشف کرد و در صدد شکوفایی آن برآمد و نهایتاً آن دانش آموز ناموفق در درس، استاد کمال الملک معروف و مشهور گردید. و بی‌مناسبت نیست در اینجا به قسمتی از مقاله‌ی روزنامه‌ی همشهری در تاریخ بیست و سوّم اسفندماه سال ۸۵ که به بهانه‌ی ۱۴ مارس سالروز تولّد آلبرت انیشتین به قلم آقای عمید نمازی خواه چاپ گردیده بود، توجّه فرمایید ... « آلبرت یک بچّه تنبل و خیالباف به نظر می‌رسید. او حتّی در ۹ سالگی به سختی حرف می‌زد و به همین دلیل اطرافیان فکر می‌کردند آلبرت خِنگ باشد. او به مدرسه کاتولیک‌ها رفت و تنها یهودیِ کلاسش بود. یاکوب عموی آلبرت او را با ریاضیّات و مادرش او را با موسیقی و ادبیّات آشنا کرد و انیشتین بزرگترین تفریح خود را در موسیقی یافت ... پدرش بار دیگر ورشکست شد و خانواده او به میلان در ایتالیا رفتند و آلبرت در یک مدرسه‌ی شبانه روزی ماند تا ادامه‌ی تحصیل بدهد بعد از دو ماه تنهایی آلبرت یک گواهی پزشکی مبنی بر اینکه اعصابش ناراحت است گرفت و اولیای مدرسه عذر او را خواستند بعد از این دوران او به جنوا در کنار پسر عموهای مادرش رفت امّا باز پدرش ورشکسته شد و خانواده‌اش به پاویار رفتند در آنجا باز هم کسب پدرش کساد شد او نتوانست وارد دانشگاه شود چون دیپلم نداشت امّا مدرسه‌ی عالی فنی در زوریخ به شرط گذراندن یک امتحان ورودی حاضر به ثبت نام او بود ولی او در این امتحان هم رد شد.... » این بود سابقه‌ی درسی کسی که در سال ۱۹۲۱ با دریافت جایزه‌ی نوبل فیزیک یک چهره‌ی جهانی شد و ... نکته‌ی قابل توجّه در این دوران لزوم، توأم بودن گفتار و رفتار والدین می‌باشد که اگر در آن تناقضی به وجود آید در تربیت توفیقی حاصل نخواهد شد. بنابراین پدر و مادر قبل از اینکه کمر به تربیت کودک ببندند باید ابتدا از خود شروع کنند و دیگر مربیان جامعه نیز باید این چنین باشند. ابتدا خود مؤدّب به آداب پسندیده و متخلّق به اخلاق شایسته شوند سپس به هدایت و تربیت دیگران بپردازند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «أَفَمَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ یُتَّبَعَ أَمَّنْ لا ـ یَهِـدِّی إِلاَّ أَنْ یُهْدی فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُون» (۱۹). آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟! و امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً فَعَلَیْهِ أَنْ یَبْدَأَ

بِتَعْلِیمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِیمِ غَیْرِهِ وَلْیَکُنْ تَأْدِیبُهُ بِسِیرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِیبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِم» (۲۰). هر که خود را پیشوای مردم خواهد، باید که پیش از ادب کردن دیگران به ادب کردن خود بپردازد و باید ادب کردن دیگران به کردار باشد نه به گفتار، کسی که آموزگار و ادب کننده‌ی خویش است سزاوارتر به تعظیم است از آنکه آموزگار و ادب کننده مردم است. غزالی در وصف معلّم و مربّی شایسته چنین گوید: «به علم خود کار کند و تکذیب قول خود به فعل خود روا ندارد چه علم به بصائر دانسته شود و عمل به ابصار، و ارباب ابصار بیشترند چون عمل مخالف علم باشد مانع رشد شود».... پدر و مادر علاوه بر رعایت مسائل مذکور باید در این دوران از زندگی کودک، کم کم خود را آماده کنند که یک دگرگونی در کودکِ آرام امروز ایجاد خواهد شد و در آستانه‌ی نوجوانی و بلوغ قرار خواهد گرفت. آرامش امروز وی تبدیل به یک طوفان خواهد شد که اگر پدر و مادر آمادگی لازم را برای برخورد با این پدیده نداشته باشند خسارت جبران ناپذیری را متحمّل خواهند شد و در این رابطه تحت عنوان بلوغ بحثی مستقل ارائه خواهد شد که نظر خوانندگان محترم را به آن بحث ویژه جلب می‌نماییم (۲۱).

از بلوغ تا پایان زندگی

همان گونه که قبلاً به آگاهی رسید بحث در رابطه با بلوغ را به نوشتاری دیگر محوّل کرده و در این قسمت کودک غیر مسؤول دیروز را رها کرده و به انسان مکلّف امروز می‌پردازیم پیش از این عنوان شد که تربیت در طول حیات انسان ساری و جاریست و تعطیل پذیر نیست و هدف از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی نیز همین بوده است. وقتی هدف از رسالت انبیاء را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم به نکته‌ای مشترک می‌رسیم که آن نجات انسان از ضلالت و گمراهی و هدایت او به سر منزل سعادت و خوشبختی بوده و طریق رسیدن به این سعادت نیز تزکیه و تعلیم است. «هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ» (۲۲). او کسیست که در میان جمعیّت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها خوانده و آنها را تزکیه کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت بیاموزد مسلّماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنینَ إِذْ بَعَثَ فیهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ» (۲۳). خداوند بر مؤمنان منّت نهاد هنگامی که در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد و البته پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. با توجّه به نکات بسیار ظریف تربیتی که در آیه‌ی اخیر (۱۶۴ سوره‌ی آل عمران) وجود دارد. برای روشن شدن آن، تفسیر آیه را عیناً از تفسیر نمونه بیان کرده و سپس در حدّ توان به تجزیه و تحلیل مسائل تربیتی آن می‌پردازیم .... در این آیه سخن از بزرگترین نعمت الهی یعنی نعمت «بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم» به میان آمده‌ست و در حقیقت پاسخیست به سؤالاتی که در ذهن بعضی از تازه مسلمانان بعد از جنگ احد خطور کرد که چرا ما این همه گرفتار مشکلات و مصائب شویم؟ قرآن به آنها می گوید: اگر در این راه، متحمّل خسارت‌هایی شده اید فراموش نکنید که خداوند بزرگترین نعمت را در اختیار شما گذاشته، پیامبری مبعوث کرده که شما را تربیت می کند و از گمراهی‌های آشکار باز می‌دارد هر اندازه برای حفظ این نعمت بزرگ تلاش کنید و هر بهایی بپردازید باز هم ناچیز است. جالب توجّه اینکه ذکر این نعمت با جمله: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنینَ» (خداوند بر مؤمنان منّت گذارد) شروع شده‌ست که شاید در بدو نظر تصوّر شود نازیبا است ولی هنگامی که به ریشه‌ی اصلی لغت منّت باز می گردیم مطلب کاملاً روشن می‌شود توضیح اینکه همان طور که راغب در کتاب مفردات می گوید این کلمه در اصل مَن به معنی سنگ‌هاییست که با آن وزن می کنند و به همین دلیل هر نعمت سنگین و گرانبهایی را منّت می گویند اگر جنبه‌ی عملی داشته باشد یعنی کسی عملاً نعمت بزرگی به دیگری بدهد کاملاً زیبا و ارزنده‌ست و امّا اگر کسی کار کوچک خود را با سخن

بزرگ کند و به رخ افراد بکشد کاریست بسیار زشت بنابراین منّتی که نکوهیده‌ست به معنی بزرگ شمردن نعمت‌ها در گفتار است امّا منّتی که زیبنده‌ست همان بخشیدن نعمت‌های بزرگ است. خداوند در آیه‌ی فوق می‌فرماید پروردگار بر مؤمنان منّت گذارد یعنی نعمت بزرگی عملاً در اختیار آنها نهاد امّا اینکه چرا تنها نام مؤمنان برده شده در حالی که بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای هدایت عمومی بشر است به خاطر این است که از نظر نتیجه و تأثیر، تنها مؤمنان هستند که از این نعمت بزرگ استفاده می‌کنند و آن را عملاً به خود اختصاص می‌دهند. سپس می‌فرماید: یکی از مزایای این پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این است که او از جنس خود آنها و از نوع بشر است (مِنْ أَنْفُسِهِمْ) نه از جنس فرشتگان و مانند آنها، تا احتیاجات و نیازمندی‌های بشر را دقیقاً درک کند و دردها و مشکلات و مصائب و مسائل زندگی آنها را لمس نموده و با توجّه به آن، به تربیت آنها اقدام نماید، به علاوه مهم‌ترین قسمت برنامه‌ی تربیتی انبیاء تبلیغات عملی آنها است به این معنی که اعمال آنها بهترین سرمشق و وسیله تربیت است زیرا با (زبان عمل) بهتر از هر زبانی می‌توان تبلیغ کرد و این در صورتی امکان پذیر است که تبلیغ کننده از جنس تبلیغ شونده باشد با همان خصائص جسمی و با همان غرائز و ساختمان روحی، اگر پیامبران مثلاً از جنس فرشتگان بودند این سؤال برای مردم باقی می‌ماند که اگر آنها گناه نمی‌کنند آیا به خاطر این نیست که شهوت و غضب و نیازها و غرائز گوناگون بشری ندارند و به این ترتیب برنامه‌ی تبلیغات عملی آنها تعطیل می‌شد. لذا پیامبران از جنس بشر انتخاب شدند با همان نیازها و غرائز تا بتوانند سرمشقی برای همگان باشند. «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ» (۲۴). سپس می‌فرماید: این پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه برنامه‌ی مهم را درباره‌ی آنها اجرا می‌کند نخست خواندن آیات پروردگار بر آنها و آشنا ساختن گوش‌ها و افکار با این آیات و دیگر تعلیم یعنی وارد ساختن این حقایق در درون جان آنها و به دنبال آن تزکیه‌ی نفوس و تربیت ملکات اخلاقی و انسانی، امّا از آنجا که هدف اصلی و نهایی تربیت است در آیه قبل از تعلیم ذکر شده، در حالی که از نظر ترتیب طبیعی، تعلیم بر تربیت مقدّم است. جمعیّتی که از حقایق انسانی به کلّی دورند به آسانی تحت تربیت قرار نمی‌گیرند بلکه باید مدّتی گوش‌های آنها را با سخنان الهی آشنا ساخت و وحشتی را که قبلاً از آن داشتند از آنها دور کرد سپس وارد مرحله‌ی تعلیم اصولی شد و به دنبال آن محصول تربیتی آن را گرفت. این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که منظور از تزکیه، پاک ساختن آنها از پلیدی‌های شرک و عقاید باطل و خرافی و خوهای زشت و حیوانی بوده زیرا مادام که نهاد آدمی از این آلودگی‌ها پاک نشود ممکن نیست که آماده تعلیم کتاب الهی و حکمت و دانش واقعی شود همان طور که اگر لوحی را از نقوش زشت پاک نکنی هرگز آماده پذیرش نقوش زیبا نخواهد شد و به همین جهت تزکیه در آیه‌ی فوق بر تعلیم کتاب و حکمت یعنی معارف بلند و عالی اسلام مقدّم شده‌ست»... (۲۵). این آیه‌ی شریفه نکات تربیتی دقیق و ظریفی دارد که به طور اجمال بدان اشاره می‌کنیم: الف:: خداوند نعمت‌های بی‌شماری را به انسان ارزانی داشته‌ست از جمله ساختمان پیچیده بدن، روح، عقل و نطق که انسان واقعاً از شکر این نعمت‌ها عاجز است شیخ اجل سعدی شیرازی علیه الرّحمه چنین می‌گوید: «هر نَفَسی که فرو می‌رود مُمِّد حیات است و چون برمی آید مُفرّح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب». از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید همچنین خلق عالمی به این وسعت و عظمت و مسخّر نمودن آن برای انسان و نعمت‌های دیگر که لا تُعَدُّ وَ لا تُحْصَی و به خاطر هیچ کدام از این نعمت‌ها بر انسان منّت نگذاشته لیکن وقتی مسئله‌ی هدایت و تربیت مطرح می‌شود با صراحت و تأکید می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۲۶). ب:: انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از میان انسان‌ها نیز یک مسئله‌ی مهمّ تربیتیست زیرا مرّبی و هدایتگر باید برخواستها، توانها، کششها، گرایشها، آمال و آرزوهای متربّی آگاهی داشته باشد تا به هدف خویش واصل گردد. ما نیز باید در مسائل تربیتی به طرف مقابل توجّه کنیم و خود را در قالب او درآوریم تا بتوانیم اثر گذار باشیم. احساس سوختن به تماشا نمی‌شود آتش بگیر تا که بدانی چه می‌کشم ج:: اهمیّت بُعْدِ عمل در تربیت: یکی از روش‌های موفّق و جذّاب پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بُعْدِ عملی رفتار آن حضرت بود که دائماً می‌فرمود: «إِلَهِي لا تَكِلْنِي إِلَى

نَفْسِی طَرْفَةَ عَیْنٍ أَبَدا» (۲۷). یعنی خداوندا مرا به اندازه‌ی یک چشم بر هم زدن به حال خود رها نکن. این درخواست برای چیست؟ جز این است که‌ای خدای کریم من همیشه محتاج لطف و عنایت توأم پس وقتی حبیب حق و اشرف مخلوقات چنین درخواستی از محبوب و خالق خویش دارد ما چه کنیم؟ کسی که خود برای تعلیم و تربیت انسانها تا قیام قیامت مبعوث شده این گونه خاضعانه در برابر ربّ الارباب توجّه همیشگی او را مسئلت می‌نماید. همچنین در ابعاد تربیتی با عمل خود نکات ظریف تربیتی را به امّت می‌آموخت، نقل است که حضرت در مسجد و به نماز جماعت مشغول بودند امام حسن و امام حسین علیهما السلام که طفلی کوچک بود در حال سجده بر شانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سوار شدند و حضرت آن قدر سجده را طول دادند تا آنها به دلخواه خود پایین آمدند. وقتی اصحاب علّت سجده را پرسیدند حضرت علّت را نقل فرمودند و این گونه به اصحاب آموختند که باید با کودک رفتار شایسته داشته باشیم و از خشونت اجتناب کنیم. شما ای پدر و مادر گرامی، اگر در حال نماز نه، در حال تماشای تلویزیون یا خواندن روزنامه یا ... چنین اتّفاقی برایتان افتاد چه می‌کنید؟!! مربّیان جامعه نیز باید این چنین باشند ابتدا عامل باشند و خود را بسازند و سپس به هدایت دیگران بپردازند. د: تقدّم تزکیه بر تعلیم: با توجّه به اهمیّت پرورش و لزوم مستعد شدن زمینه برای تعلیم خداوند این امر را مقدّم فرموده‌ست و در این تقدّم نکته‌ی تربیتی خیلی ظریفی وجود دارد و آن اینکه، هیچ گاه نباید از تربیت انسان نااُمید شویم و خدای نکرده در ذهنمان چنین تصوّر کنیم که تربیت روی این افراد اثر ندارد و بگوییم تربیت نا اهل را چون گردکان بر گنبد است این تفکّر نباید باعث سلب مسؤولیّت ما شود همه‌ی ما در امر تربیت مسؤولیم به نتیجه نباید کاری داشته باشیم باید به وظیفه قیام کنیم فلسفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، این واجب فراموش شده الهی نیز همین است حتماً داستان فضیل عیاض را شنیده اید: «او در میان مرو و باورد خیمه زده بود و لباسی پلاسی پوشیده و کلاهی پشمین بر سر نهاده بود و تسبیح در گردن افکنده بود و یاران بسیاری داشت که همه دزد و راهزن بودند آنان می‌دزدیدند و به نزد او می‌بردند و او تقسیم می‌کرد همه از او در رنج و عذاب بودند و این روش را مدّت زمانی ادامه داد تا اینکه شبی کاروانی بر او گذشت و یک نفر در میان کاروان این آیه‌ی شریفه قرآن را تلاوت می‌کرد: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّه» (۲۸). یعنی آیا وقت آن نرسیده‌ست که دلهای مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل شده است، خاشع گردد؟ این آیه چون تیری بود که بر دل فضیل راهزن نشست و گفت: آمد، آمد و حتّی از وقت گذشته؛ سراسیمه و خجل و بیقرار روی به خرابه‌ای نهاد و بدینسان توبه کرد و ره یافت و هدایت شد و در صف اوتاد درآمد (۲۹). پس تحت هیچ شرایطی ما نباید از امر تربیت مأیوس و نااُمید شویم پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در میان قومی مبعوث شد که مظهر جهل و نادانی و بی‌تربیتی بودند و پس از ۲۳ سال تحمّل رنج و مشقّت، چنان کرد که در پایان گروه گروه به اسلام می‌گرویدند. «وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فی دينِ اللَّهِ أَفْواجاً» (۳۰). و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند. این حاصل نشد مگر در سایه‌ی اخلاق پسندیده و رفتار محبّت آمیز و گفتار نرم آن حضرت و استقامتی که در این راه به فرمان خدا از خود نشان داد. «فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْت» (۳۱). پس همان گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن. مپندار سعدی که راه صفا توان رفت جز در پی مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ما نیز با توجّه به «لَقَدْ كانَ لَكُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (۳۲) باید بهترین الگویمان آن حضرت و خاندان پاکش: باشد و در امر تربیت خسته و نااُمید نشویم و بدانیم اگر حتّی تمام عمرمان صرف هدایت یک نفر شود ارزش دارد ... « مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسادٍ فِی الْأَرْضِ فَكَأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَمیعاً وَ مَنْ أَحْياها فَكَأَنَّما أَحْيَا النَّاسَ جَميعاً» (... ۳۳). هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه‌ی انسان‌ها را کشته؛ و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه‌ی مردم را زنده کرده است.

پایان تربیت

تـا زمـانی که انسـان زنـده‌ست و تکلیف دارد تربیت و موعظه وی نیز ادامه دارد و به محض اینکه حیات خود را از دست داد کلاس تربیتی او نیز بسته می‌شود که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمودند: «اُطْلُبُوا الْعِلْم مِنَ الْمَهْدِ اِلَی اللَّحْدِ» (۳۴). از گهواره تا گور دانش بجوییـد. و آخرین مرحله تربیتی در زمانی که روح از بـدن جدا شده ولی جسم هنوز در این جهان است انجام می‌شود و آن هنگام دفن انسان است که سیر تربیتی وی را به او یادآور می‌شوند با این بیان که «اِسْمَعْ اِفْهَمْ» گوش کن، دقتّ کن!!! و بدینسان تربیت به عنوان حرکتی توقّف ناپذیر در طول حیات انسان و حتّی در طول حضور انسان در این جهان ادامه دارد و با دفن وی تربیت نیز پایان می‌پذیرد.

فصل دوّم: عوامل مؤثّر در آسیب شناسی خانواده

خانواده و نقش آن در تربیت

یکی از عوامل مؤثّر، بلکه مؤثّرترین عامل در رفتار کودک، خانواده‌ست زیرا اوّلین محیط اجتماعی که کودک در آن رشـد می کند و افراد آن هر یک به نحوی در اخلاق، رفتار، رشد جسـمانی، روحانی و عقلانی کودک اثر می گذارند، خانواده است. افراد تشکیل دهنده خانواده در مرحله‌ی اوّل عبارتند از پدر، مادر، خواهران و برادران و در مرحله‌ی بعد پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و در برخی از خانواده‌هـایی که به صورت گروهی زنـدگی می کننـد عمّه‌ها و عموها و خاله‌ها و دایی‌ها، لکن در رفتار کودک بیشترین نقش را گروه اوّل یعنی پـدر، مادر، خواهران و برادران بر عهده دارند. ساختار شخصـیّتی این افراد، نوع برخوردشان، با کودک و با یکدیگر بسیار بر کودک اثر دارد که به صورت مختصر به آن می‌پردازیم.

سلامت جسمی و روانی مادر

روحیه‌ی مـادر و سـلامت جسـمی و روانی وی یکی از پارامترهای اساسـی در تربیت و رشـد کودک است همان گونه که بعضـی از خصوصـیات اخلاقی، رفتاری و حتّی جسـمی مادر از راه وراثت به کودک منتقل می‌شود قطعاً پس از تولّد، محیط زندگی و انس با مـادر نیز تـأثیر فراوانی دارد و نقش مادر در این جهت بیشتر و پررنگ‌تر از نقش پـدر است زیرا در پرورش جنین و فعل و انفعالاتی که ساختار بـدنی و روحی مادر، روی جنین می گذارد با نقش پدر قابل مقایسه نیست. همچنین حسن ارتباط مادر با فرزند از عوامل موثر در رشـد و تربیت است بنابراین، روی مادران بایـد بیشتر سـرمایه گـذاری کرده و آنان را برای این امر خطیر از هر جهت تجهیز نمود و توجّه داشت که مادر علاوه بر نقش مادری و پرسـتاری کودک، نقش نفوذ، الگو شدن، تحریک کردن و تحوّل ایجاد کردن را هم داراست. پس باید در این زمینه به مادران آگاهی دهیم که اگر خدای ناخواسـته حتی از سلامت جسمی برخوردار نیستند باید نقش یـک انسان سالم را ایفاء کننـد و با چهره‌ای شاد و خوشـحال و حالتی گرم و با نشاط با بچّه‌ها برخورد کننـد که فرزنـد متوجّه بیمـاری و عـدم سـلامت مادر نگردد. وجود مادر برای فرزنـد پیام دارد. تمام خصوصـیّات اخلاقی و رفتاری او به طور مسـتقیم روی کودک اثر می گـذارد بچّه‌هـا به دنبـال گفتـار نیسـتند و حتّی در بعضـی موارد از گفتار، موعظه و نصـیحت مسـتقیم رنـج می‌برنـد و بیشترین اثر را رفتار مادر بر کودک دارد. مادری که در مواجه شدن با گناه از خود بی‌تقوایی نشان می‌دهد و بی‌پروا دست به اعمال غیر مشـروع و غیر اخلاقـی می‌زنـد نبایـد انتظـار فرزنـدی بـاتقوا داشـته باشـد. مادری که در وضع ظاهر، رعایت جنبه‌های اخلاقی را نمی‌نمایـد، لباس نامناسب می‌پوشد و در برخوردها مَحْرَم و نامحرم برایش فرقی نمی کند، قطعاً بداند فرزندش از او تقلید کرده و در آینـده همین رفتار مادر را تکرار می کنـد که برای مادر جدّاً قابل تحمّل نیست. مادری در یکی از کلاس‌های آموزش خانواده به من مراجعه کرد و اظهار داشت: دخترم که دانش آموز دوّم راهنماییست مرتب آرایش می کند و حتّی قبل از آمدن به مدرسه نیز دست

به چنین کاری می‌زند و از بس مسؤولین مدرسه مرا خواسته و تذکّر داده‌اند دیگر خسته شده ام. چه کنم؟!!! من با چشم خود دیدم همین مادری که از این مسئله که برای دخترش اتفاق افتاده رنج می‌برد و نگران بود خودش برای حضور در کلاس آموزش خانواده با وضعیّتی آمده بود که احساس می‌شد با مجلس عروسی اشتباه گرفته‌ست حیا مانع شد بگویم، مادر علّت این مشکل خودت هستی لیکن به مدیر مدرسه گفتم از قول من به ایشان بگویید: رطب خورده کِی منع خرما کند. اگر بار خار است خود کِشته‌ای اگر پرنیان است خود رشته‌ای

ساختار شخصیّتی پدر

از دیگر عوامل مؤثّر در خانواده پدر است. پدر سکّان دار کشتی خانواده بوده و باید عظمت، شوکت، قدرت و شخصیّت خود را حفظ نماید. حیات خانواده به دست پدر است. او هم می‌تواند نقشی امیدآفرین ایفا کند و هم می‌تواند نقشی مأیوس کننده داشته باشد. پدری که مشکلات بیرون خانه و نابسامانی‌های موجود در اجتماع و محیط کار خود را به درون خانه می‌کشد روحیه فرزندان و همسرش را تحت تأثیر قرار داده و در آنان ایجاد نومیدی، یأس و نگرانی می‌نماید آنان را نسبت به آینده بی‌اعتماد کرده، شخصیّت و حاکمیّت خود را نیز از دست می‌دهد این خطر بزرگیست که خانواده‌های ما را تهدید می‌کند زیرا این گونه مسائل و مشکلات اگر به درون خانه انتقال یابد، پدر و مادر را از هدف اصلی باز می‌دارد. پدر باید از برون و مادر از درون خانه محیطی اَمن توأم با مهر، محبّت، صفا و صمیمیّت ایجاد کنند تا موفق شوند فرزندانی خودباور، متّکی به نفس و با ایمان تربیت نمایند خدای ناخواسته اگر پدری خود منحرف باشد چگونه می‌تواند فرزندانی خوب و شایسته تحویل اجتماع دهد؟ پدری که خود دروغ می‌گوید چگونه انتظار دارد فرزندش راستگو باشد؟!! مادری به من مراجعه کرد و گفت: شوهرم خیلی راحت دروغ می‌گوید و از اوّل زندگی تا کنون سخن راست از او خیلی کم شنیده‌ام ولی هر طور بوده زندگی کرده و دم نزده‌ام لیکن اکنون با یک مشکل و معضل بزرگ روبرو شده‌ام که برایم قابل تحمّل نیست و آن اینکه فرزند پسرم از این لحاظ پا جای پای پدر گذاشته، چه کنم؟! یکی دیگر از مصیبت‌هایی که امروزه گریبانگیر جامعه شده بلای خانمانسوز اعتیاد و مواد مخدّر می‌باشد که خیلی از خانواده‌ها را در معرض خطر جدّی قرار داده و پدران خصوصاً از این خطر بزرگ و مسری غافلند و لحظاتی به اصطلاح خوش را بر همه چیز و همه کس حتّی زندگی و فرزند ترجیح می‌دهند اگر بخواهم در این قسمت نمونه‌هایی از مراجعین در این رابطه را عنوان کنم مثنوی هفتاد من کاغذ شود. فقط به نامه‌ای تکان دهنده از دختری اشاره کرده که در اثر محیط نااَمن خانه به مسؤولین پناه برده و از آنان استمداد می‌طلبد: با عرض سلام و خسته نباشید خدمت مسؤولان محترم؛ دختری هستم ۱۷ ساله ساکن خیابان ... کوچه ... پلاک ...در کلاس سوّم ادبیّات دبیرستان. . ... مشغول تحصیل می‌باشم می‌خواهم از خودم و خانواده‌ام مطالبی در اینجا بنویسم. زندگی غرق شدن در دریای بودن است و رفتن از سرزمین نماندن، هستی یا نیستی، بودن یا نبودن، نکته اینجاست زندگی رفتن در راهیست که پیچ‌هایی تو در تو و راه‌هایی صعب العبور دارد و اکنون باید بیننده‌ی بهار، تابستان، پاییز و زمستان که از صعب العبورترین راه‌ها می‌گذرد باشم تا به نقطه موعود رسم. در یکی از روزهای برفی سال. ... وقتی چشم گشودم که اوّلین قطرات باران و برف چهره‌ی زمین را دگرگون می‌ساخت سال‌های شیرین کودکی که شاید بهترین ایّام زندگی ام بود را به یاد ندارم شاید این از سرنوشت من بوده‌ست که هیچ گاه طعم شیرین خوشی را نچشم یا اگر اندکی از آن بهره بردم به یاد نداشته باشم. وقتی اطرافم را حس کردم در کنار خود مردی معتاد را یافتم که آموخته بودم او را پدر صدا بزنم دوران خوب و اندک دبستان را به خاطر دارم امّا ۵ ساعت از ۲۴ ساعت شبانه روز برایم کافی نبود. روزهایی که پدرم خیلی با من خوب بود همراه او به قهوه خانه یا پیش دوستانش می‌رفتم امّا هنوز درک نمی‌کردم که اینها تفریح نیست. چند بار پدرم را به زندان بردند ... در اینجا مطلبی را آشکار می‌کنم که حتّی مادرم نیز نمی‌داند خودم نیز سال‌ها بعد از آن متوجّه شدم که من نیز معتاد شده بودم هر دفعه پدرم به زندان می‌افتاد همه فکر می‌کردند

بیماری من به خاطر دوری از پدر است ولی ناراحتی من به خاطر نبودن شخصی بود که بوی هروئین را به مشامم نزدیک می‌ساخت. دختر بچّه‌ای بودم، نه دوستی، نه تلویزیونی و نه تفریحی، به جای رفتن به پارک، سینما و مهمانی به همراه پدر به قهوه خانه و منزل دوستانش می‌رفتم تا هفت سالگی تنها فرزند خانواده بودم دلم می‌خواست خواهرم متولّد نشده بود که شاهد و درک کننده‌ی این همه مشکل باشد امّا در حقیقت تولّد او برای مثل من هدیه‌ای آسمانی بود زیرا با وجود او کمتر همراه پدر می‌رفتم. منی که خود احتیاج به پرستاری و مراقبت داشتم از خواهرم مواظبت می‌کردم زیرا پدرم در زندان بود و مادرم برای کار از ما دور. پس از ۲۳ سال پدرم از چاه به چاله افتاد از دام هروئین نجات یافت و به الکل روی آورد. دیگر شب و روز چهره‌ی در حال چرت پدر، برنامه کودکم نمی‌شد بلکه فریادهای وحشیانه‌ی او فیلم‌های جنگی را برایم به ارمغان می‌آورد ... آنقدر مشکلاتم زیاد است و غرق در رنج و سختی هستم که نمی‌دانم اصلاً مشکل واقعی ام چیست؟ این نامه را تنها به خاطر آن ننوشتم که کلمه‌ی متأسّفم را بشنوم به امید آن نوشتم که با یاری شما بتوانم حداقل از بار این همه رنج طوری خلاصی یابم و با اینکه گوشه‌ای از آنچه هست را نوشتم باید به همین مقدار نیز اکتفا کنید و در پی رفع این چنین خلاف‌هایی باشید. مردم بلند همّت شهر، به مردمی که تقاضا نمی‌کنند و در سکوت ایستاده‌اند کمک کنید جوانانی که یارای سخن گفتن ندارند و به آسمان نگاه می‌کنند و امیدوارند. ...! کسانی که ادّعا می‌کنند دستهایشان آلوده نیست، دست‌های پاک ما را بگیرند و نجاتمان دهند ای مردمی که دیگران را دوست می‌دارید، در انتظار محبّت و دوستی شما هستیم تا دیر نشده همّت کنید تا آنجا که در توان دارید مرا در این مشکل تنها نگذارید به امید روزی که دیگر انسانی این چنین نباشد. امضاء

روابط پدر و مادر

از دیگر فاکتورهای اساسی در آسیب شناسی خانواده، ارتباط بین پدر و مادر می‌باشد. رابطه‌ی بین همسران در تربیت دخالت داشته و بسیار حائز اهمیّت است. زن و شوهر باید یک روح باشند در دو جسم، باید در تربیت فرزند هماهنگ عمل نموده هر یک مؤیّد دیگری باشند. هر چه میزان هماهنگی و وحدت رویه زن و شوهر بیشتر باشد تربیت آسان‌تر و برعکس هر چه تضاد بین پدر و مادر بیشتر باشد، خانواده آسیب پذیرتر است. بچّه‌ها علاوه بر اینکه نیاز به مهر و محبّت مادر و پدر دارند علاقمندند بین پدر و مادر نیز محبّت و صمیمیّت حاکم باشد و آنها با هم مهربان باشند و علیرغم این علاقمندی اگر بچّه‌ها مشاهده کنند که بین پدر و مادر اختلاف وجود دارد خیلی سریع سوء استفاده کرده و این سوء استفاده در دوران دبیرستان بیشتر بروز می‌کند بدین صورت که از پدر درخواست کرده و مورد موافقت وی واقع نمی‌شود همان درخواست را از مادر دارد و او موافقت می‌کند آن هم با مخفی کردن از پدر و زمانی نیز عکس آن اتفاق می‌افتد مادر مخالفت می‌کند و پدر موافقت و وای به روزی که پدر و مادر در این رابطه لجبازی هم بکنند که در این میان کسی که مورد ستم قرار گرفته و نابود و قربانی می‌شود فرزند است. لازم به ذکر است که ارتباط همسران بخشی ویژه می‌طلبد که جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

روابط والدین با فرزندان

یکی دیگر از عوامل مؤثّر در آسیب شناسی خانواده روابط والدین با فرزندان است. برخورد پدر و مادر با فرزندان باید به گونه‌ای باشد که همه‌ی آنها در خانه احساس آرامش کنند و خانه را مأمن و پناه خود بدانند پدر و مادر در تقسیم محبّت و توجّه به فرزندان باید به نوعی عمل کنند که هیچ کدام از فرزندان متوجّه نشوند که از آنها محبوب تری وجود دارد بلکه باور کنند همه در چشم پدر و مادر یکسان و در دل آنها جای دارند پدر و مادر باید توجّه داشته باشند که همه‌ی فرزندان تشنه‌ی محبّت و نیازمند توجّه همیشگی آنها می‌باشند ولی متأسّفانه بعضی از خانواده‌های پر اولاد بین فرزندان دختر و پسر، بزرگ و کوچک فرق می‌گذارند

فرزنـدان بزرگ را از محبّت و توجّه بی‌نیاز پنداشـته تمام توجّه و محبّت خود را به فرزنـدان کوچک‌تر معطوف می‌کنند یا نسـبت به اوّلین فرزنـد به عنوان گل سرسـبد و آخرین فرزنـد به عنوان. ... بیشتر محبّت نموده و از فرزنـدان میانی غافلنـد یا پس از چند فرزند دختر، ورود یک نوزاد پسر در خانواده باعث جلب توجّه همه‌ی افراد خانواده به ویژه پدر و مادر شده، نسبت به دیگر فرزندان غافل و بی‌توجّه می‌گردنـد و این مسئله خسارات جبران ناپـذیری را بر خانواده تحمیل خواهـد کرد. بسیار اتفاق می‌افتـد وقتی والـدین به فرزنـدان کوچـک توجّه بیشتری می‌نماینـد و آنهـا را مورد مهر و محبّت قرار می‌دهنـد فرزنـد بزرگتر در گوشه‌ای در خود فرو رفته، آرام می‌نشیند ولی در درون بی‌قرار است. وقتی علّت را از او سؤال می‌کنیم بلافاصله می‌گوید شما که مرا دوست ندارید!!! در این بیان کوتاه که برخاسته از احساس درونی کودک بوده مطالب زیادی نهفته‌ست لیکن والدین غافلند و در صورت ادامه یافتن ممکن است تبدیل به معضلی شده و ناهنجاری‌های رفتاری در کودک به وجود آورد و خیلی طبیعیست اگر کودک نتواند از راه صحیحی توجّه پـدر و مـادر را به خود جلب نمایـد از راه غیر معمول وارد شود. پریرو تـاب مستوری نـدارد درش بنـدی سر از روزن برآرد مطالعه در زنـدگی جنایتکـاران و بزهکـاران در طول تاریـخ نشـان می‌دهـد که آنان از میان خانواده‌هایی برخاسته‌اند که در دوران کـودکی مـورد بی‌تـوجّهی و بی‌مِهری بوده‌انـد. اگر توجّه کرده باشـید بعضـی از اوقـات بچّه‌هـا کـاری می‌کننـد که توجّه بزرگـترها مخصوصاً پـدران و مادران را به خود جلب می‌نماینـد و این بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که پدر و مادر از توجّه به او غافلند و سرگرم فرزنـدی دیگر یا کارهای روزمره‌ی زنـدگی هسـتند. مثلاً: روی بلنـدی رفته و می‌گویـد مادر، پـدر مرا ببینید و پایین می‌پرد. شـما با انـدک نظری و شایـد هم بـا گفتن آفرین پسرم، مواظب بـاش، باز از او غافل می‌شویـد ولی دوباره همان حرکت را تکرار می‌کنـد، مادر، پدر مرا ببینید ... مادر، پدر مرا را ببینید ... می‌دانید او چه می‌خواهد بگوید؟ می‌خواهد بگوید پدرم و مادرم مرا همیشه ببینید من تشـنه‌ی توجّه بی‌وقفه شـمایم، من توجّه دائمی شـما را می‌خواهم، من با توجّه و دیدن شما از جام محبّت سیراب می‌شوم اگر مرا ببینیـد به هیـچ کس و هیـچ چیز دیگر نیاز نـدارم اگر مرا ببینید به هیچ کار ناشایستی دست نمی‌زنم تا توجّه دیگران را به خود جلب نمایم!! مرا ببینید ... مرا ببینید....

روابط فرزندان با هم

رفتار پدر و مادر با فرزندان، در ارتباط فرزندان با یکدیگر بسیار مؤثّر است. اگر پدر و مادر در تقسیم محبّت، عدم تبعیض و توجّه به فرزنـدان، رعایت مسائل و نکات ظریف تربیتی را بنماید و احساسات آنها را درک کرده و جریحه دار نکنند برخورد فرزندان نیز با هم صـمیمانه خواهد شد. زیرا هیچ کدام از آنها، دیگری را مزاحم خود نمی‌داند و احساس نمی‌کند جای او را گرفته‌ست ولی در صـورت اِعمـال تبعیض و عـدم رعـایت اعتـدال در توجّه و محبّت، فرزنـدانی که کمـتر مورد توجّه و محبّت قرار می‌گیرنـد دست به ناسازگـاری زده و در بعضـی از موارد این ناسازگاری‌هـا جلوه‌هـای ناخوشاینـد خواهـد داشت و چه بسا کینه و نفرت همیشـگی بین فرزنـدان ایجاد کنـد که این مشـکل حتّی به فرزنـدان آنها نیز انتقال یابـد. بنابراین پـدران و مادران باید توجّه داشـته باشـند که یک برخورد نسنجیده، چه عواقبی را به دنبال خواهد داشت. البته بعضی از اختلافات بین فرزندان، دعواهای کودکانه طبیعی می‌باشد مهمّ چگونگی برخورد بزرگترها با مسئله و رعایت اصل اعتـدال و جلوگیری از جانبـداری بیجا، متعصّبانه و توأم با احساسات است زیرا در این گونه موارد اغلب والـدین از فرزنـدان کوچکتر حمـایت می‌کننـد و دلیل آن را نیز مظلومیّت آنها دانسـته در صورتی که اگر فرزنـدان بزرگتر حمایت شونـد هم از تنش بین آنها کاسـته می‌شود و هم فرزنـدان کوچکتر از اوّل می‌آموزنـد که بایـد به بزرگترها احترام بگذارنـد و بزرگترها نیز احساس شخصیّت کرده برای جلوگیری از مخـدوش شـدن آن سـعی می‌کننـد بی‌مورد به این گونه مسائل دامن نزنند.

تفاوت بچّه‌ها و انتظار والدین

پدر و مادر باید توجّه داشته باشند هر فرزندی منحصر به فرد است. استعداد، توان، گرایش ذوق و علاقه‌اش ویژه‌ی خود او می‌باشد و با دیگر فرزندان فرق می‌کند. اگر فرزندی آرام بود دلیل نمی‌شود که تمام فرزندان آن خانواده آرام باشند (هر چند آرام بودن بچّه‌ها همیشه حسن نیست) تربیت بچّه‌ی آرام هنر نیست پدر و مادرها در برخورد با فرزندان ناآرام باید هنرنمایی کنند البته همان گونه که عرض شد همه را یکسان مورد توجّه قرار دهند. آرام و ناآرام، با استعداد و کم استعداد، توانمند و ناتوان برایشان فرقی نکند و از هر کدام به اندازه‌ی توان و استعدادش انتظار داشته باشند و انتظار والدین باید تنها یک گام جلوتر از فرزندان باشد و این نکته مهمّ و اساسی را در نظر داشته باشند که: فرزندان امانت الهی هستند و ایشان امانتدارند و برای یک امین فرق نمی‌کند درون بسته‌هایی که به رسم امانت نزدش گذاشته‌اند چیست؟ باید نهایت تلاش و جدیّت را در حفظ و استرداد آن به صاحبش بنماید. «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ»

فهرست منابع و مآخذ

(۱) – قرآن کریم: ترجمه‌ی آیت الله مکارم شیرازی (۲) – تفسیر نمونه: زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی (۳) – نهج البلاغه (۴) – حلیهٔ المتقین: مرحوم علّامه‌ی مجلسی ۱ (۵) – آداب الشّریعه: مرحوم علّامه‌ی فشارکی ۱ (۶) – آراء مربیان بزرگ مسلمان درباره‌ی تربیت کودک (۷) – روش تربیتی در اسلام: محمّد قطب (۸) – تربیت فرزند از نظر اسلام: آیت الله حسین مظاهری (۹) – بهداشت ازدواج از نظر اسلام: مرحوم دکتر صفدر صانعی (۱۰) – نحوه‌ی رفتار والدین با فرزندان: یدالله جهانگرد (۱۱) – کودک: مرحوم حجهٔ الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمّد تقی فلسفی ۱ (۱۲) – رفتار با جوانان: دکتر زهرا معتمدی (۱۳) – انسان موجود ناشناخته: دکتر الکسیس کارل ترجمه‌ی دکتر دبیری (۱۴) – تذکرهٔ الاولیاء: شیخ فرید الدّین عطّار نیشابوری

پی‌نوشت

(۱) – روم / ۳۰. (۲) – یس / ۶۰ و ۶۱. (۳) – اعراف / ۱۷۲. (۴) – غاشیه / ۲۱. (۵) – بحارالأنوار ۶۳ / ۴۴۴ ح ۸. (۶) – بحارالأنوار ۶۳ / ۱۷۶. (۷) – نهج الفصاحهٔ ص ۳۸۱ ح ۱۱۳۲. (۸) – الکافی ۵ / ۲۵۳ ح ۱. (۹) – مستدرک الوسائل ۱۵ / ۱۵۵ ح ۱۷۸۴۲ – ۱. (۱۰) – عوالی اللآلی ۱ / ۳۵ ح ۱۸. (۱۱) – وسائل الشّیعهٔ ۲۱ / ۴۶۸ ح ۲۷۶۰۴. (۱۲) – بحارالأنوار ۱۰۱ / ۱۰۶ ح ۱. (۱۳) – بقره / ۲۳۳. (۱۴) – مؤمنون / ۵۱. (۱۵) – تربیت فرزند از نظر اسلام — آیت الله حسین مظاهری. (۱۶) – وسائل الشّیعهٔ ۲۱ / ۴۷۶ ح ۲۷۶۲۷. (۱۷) – وسائل الشّیعهٔ ۲۱ / ۴۷۶ ح ۲۷۶۲۷. (۱۸) – البته در حدیث پیامبر اکرم ۶ این چنین آمده: «تَخَیَّرُوا لِنُطَفِکُمْ فَإِنَّ النِّساءَ یَلِدْنَ أَشْباهَ إِخْوانِهِنَّ وَ أَخَواتِهِنَّ» برای نطفه‌هایتان همسران خوب برگزینید زیرا زنها مانند برادران و خواهرانشان می‌زایند. – گلهای جاویدان (هزار کلمه‌ی قصار) ص ۱۷۴ ح ۳۸۹۱۴. (۱۹) – یونس / ۳۵. (۲۰) – نهج البلاغه ابن ابی الحدید کلمات قصار ۲۲۰ / قصار ۷۱ و نهج البلاغه فیض الاسلام ۱۱۱۷ / قصار ۷۰. (۲۱) – بلوغ بحرانی زیبا و طوفانی سازنده از همین مؤلّف. (۲۲) – جمعه / ۲. (۲۳) – آل عمران / ۱۶۴. (۲۴) – آل عمران / ۱۶۴. (۲۵) – پایان نقل از تفسیر نمونه ۳ / ۱۵۷ با مختصر تغییرات ویرایشی. (۲۶) – آل عمران / ۱۶۴. (۲۷) – الکافی ۷ / ۲ ح ۱. (۲۸) – حدید / ۱۶. (۲۹) – به نقل از تذکرهٔ الاولیاء، شیخ فرید الدّین عطّار نیشابوری. (۳۰) – نصر / ۲. (۳۱) – هود / ۱۱۲. (۳۲) – احزاب / ۲۱. (۳۳) – مائده / ۳۲. (۳۴) – نهج الفصاحهٔ ص ۲۱۸ ح ۳۲۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-

۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹